

### متن پرسش

سلام خدمت آقای طاهرزاده: من یه جوان حداقل به ظاهر هیئتی و کاملا ولایی هستم. یه سوالی در خصوص توسل به ائمه، به خصوص امام حسین (ع) بد جوری ذهن منو درگیر کرده، من تا مدت ها به این فکر می کردم که تا وقتی خدا هست و می شنوه، چه لزومی داره از ائمه بخوایم، مگه اونا از خدا مهربون ترن؟ مگه شنوا ترن؟ مگه از خدا به ما نزدیک ترن؟ بسیار درگیر این سوال بودم که به جواب های قانع کننده ای رسیدم، حداقل قانع کننده برای من. جوابی که من براش پیدا کردم اینه که خدا قبل از این که رحمان و رحیم باشه، عادل و عدل مطلق هست، مثلا اگه دعای من به اندازه ای تاثیر داشته باشه که دعای مثلا آیت الله بهجت داره، خب این عدالت نیست، به این دلیل که ما به اهل بیت توسل می کنیم و در واقع طبق خواسته ی خدا تو قران ائمه رو وسیله قرار میدیم، گناهامون باعث میشه که دعاهايمان به خدا نرسه؛ این جوابی بود که پیدا کردم اولین سوالم از شما این هست که این جوابی که من برای سوالم پیدا کردم و این طرز تفکر درست هست یا خیر؟! اما سوالم دوم از حضرتعالی آنجا به وجود آمد که در دعاها، مثلا دعاهای ماه رمضان و بقیه ی دعاها، دیدم که ما مستقیما با خدا حرف می زنیم، من موندم! بالاخره حرفای ما به خدا میرسه یا نه؟! اگه میرسه دیگه چرا به اهل بیت (ع) توسل کنیم، خدا که از همه بخشنده و مهربون تره و برای رفاقت بهترینه. اگه گناهامون زیاده و دعاهامون اثر نداره، چرا سر سجاده و دعاهای دیگه مثل کمیل و ابوحمزه و ... مستقیما با خدا حرف بزنیم؟! برای رفاقت امام حسین رو انتخاب کنیم یا خدا؟ حقیقتشو بهتون بگم من میدونم هر کدام باید جایگاه خودشونو تو فکر و عقیده ما داشته باشن، اما در عمل جایگاه ها رو قاطی می کنم و جوابی براش ندارم، مثلا موقعی که ناراحتم یا مثلا وقتی که خدایی نکرده گناهی مرتکب میشم، با امام حسین حرف بزنم بگم آقا جان هیئت را هم دادی یا حضرت زهرا اشک بهم هدیه دادی اما من نامردی کردم ... یا اینکه با خدا حرف بزنم، خدایا این همه نعمت دادی اما من ... احساس می کنم چون جوان هستم این دغدغه ها سراغم میاد، شدیداً بدنبال حقیقت هستم خیلییی ممنون میشم منو از سردرگمی نجات بدید و برایم دعا کنید.

### متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: گفت: «یار نزدیکتر از من به من است / این عجب بین که من از وی دورم». آری! خداوند که مغلوب هیچ حجابی نیست به ما نزدیک است ولی ما از نظر شخصیت خود به جهت حجابهایی که داریم به او نزدیک نیستیم و در سیر نزدیکی به او، انسانهای معصوم را مدّ

نظر قرار می‌دهیم. ولی در سخن‌گفت با خداوند که در ادعیه مطرح است با نزدیکی او به خودمان روبه‌رو هستیم و این دو با یکدیگر فرق می‌کند. نکته‌ای را که یافته‌اید دنبال کنید تا نتایج خوبی بگیرید. پیشنهاد بنده آن است که سعی کنید با معارف معرفت نفسی و یا برهان صدیقین، مأنوس شوید تا خودتان بتوانید جواب این‌گونه سؤالات را داشته باشید. موفق باشید